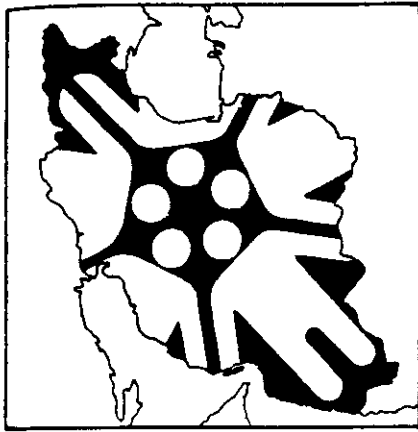


دوره‌های مسائل جمعیت در ایران

(اسمیت سوم)



دکتر علی اصغر نیشابوری

یعنی در ۱۸۵۰ این تعداد به یک میلیارد نفر رسیده، برای رسیدن از مرز یک میلیارد نفر به دو میلیارد نفر تنها ۸۰ سال زمان لازم بود و جمعیت جهانی در سال ۱۹۳۰ به رقم دو میلیارد نفر بالغ گشت ۴۵ سال بعد نیز (یعنی در سال ۱۹۷۵) جمعیت جهان یکبار دیگر دو برابر شد و به چهار میلیارد نفر رسید. برآورد کارشناسان نشان می‌دهد که برای رسیدن از چهار میلیارد نفر به هشت میلیارد نفر ۳۵ سال وقت لازم است. بهایی معنی که در سال ۲۰۱۰ جمعیت جهان به رقم هشت میلیارد نفر بالغ خواهد گردید. خلاصه این ارقام و برآوردها در جدول زیر ارائه شده است :

ارقام جمعیت جهان - جدول ۱

تاریخ	میلیون نفر	میلیارد نفر	زمان لازم برای دو- برابر شدن
قبل از میلاد	۸۰۰۰	۵	۱۵۰۰
بعد از میلاد	۱۶۵۰	۵۰۰	۲۰۰
" " "	۱۸۵۰	۱۰۰۰	۸۰
" " "	۱۹۳۰	۲۰۰۰	۴۵
" " "	۱۹۷۵	۴۰۰۰	۳۵
" " "	۲۰۱۰	۸۰۰۰	?

بعد از این مرور کوتاه بر کیفیت رشد جمعیت جهان می‌توان به بررسی نحوه رشد جمعیت ایران پرداخت.

در ضمن دو مقاله گذشته^۱ که در شماره‌های ۳ و ۴ مجله رشد آموزش جغرافیا ارائه گردید، مطالبی در مورد میزان انرژی دریافت شده در روی کره زمین، نسبت تبدیل آن به غذا و امکانات افزایش تولیدات غذایی به احتمال ارائه شد و اشاره گردید که برنامه ریزی و پیش‌بینی مسائل نعدیه، نیازمند محاسبه و برآورد ابعاد جمعیت سرهست. به این معنی که ظرف تقاضا کننده غذا یعنی جمعیت انسانی و تحولات آن سر باید بصورت دقیق مورد توجه قرار گیرد. در نوشته حاضر، سعی می‌شود تعداد جمعیت ایران در سالهای آینده بخش سیمی و برآورد نمود و ماسی و اصول این قبیل پیش - سعی بر این ساده تشریح گردد. کوشش ما بر این است که تا حد امکان از ورود در مباحث فنی و محاسبات و فرمول‌های ریاضی احتیاط کنیم و در عین حال کلیات و اصول این نوع تخمین‌ها و محاسبات را تا حدود امکان بیان نمائیم. قبل از شرح و توضیح مسائل مربوط به جمعیت ایران مروری کوتاه بر تحولات جمعیت جهان مفید و ضروری جلوه می‌کند.

رشد جمعیت جهان در ادوار گذشته:

به اعتقاد کارشناسان مسائل جمعیت، ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد عینی حدود ده هزار سال قبل تنها ۵ میلیون نفر انسان روی کره زمین زندگی می‌کردند. تعداد راد و ولد انسانها اندکی بالاتر از تعداد مرگ و میر قرار داشت و ۱۵۰۰ سال زمان لازم بود تا تعداد جمعیت از ۵ میلیون نفر به ۱۰ میلیون نفر بالغ گردد. این شکل از رشد تدریجی و آرام جمعیت، در مدت زمانی که به تقریب ۹۶۵۰ سال طول کشید جمعیت کره زمین را به ۵۰۰ میلیون نفر رسانید. باین ترتیب در سال ۱۶۵۰ میلادی، در تمام کشورهای کره زمین مجموعاً ۵۰۰ میلیون نفر، زندگی می‌کرده‌اند. ۲۰۰ سال بعد

ده ساله ۵۵ - ۱۳۴۵، آمار جمعیت برای هر یک از سالها به تفکیک معادل ارقام مندرج در جدول شماره ۳ بوده است.

تولدت جمعیت ایران:

نتایج سرشماری جمعیت ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۳۵ تعداد کل جمعیت کشور رقمی معادل ۱۸۰۹۵۴۰۷۰۴ نفر بوده است. ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۵ بر پایه نتایج سرشماری دوم تعداد کل جمعیت به ۲۵۰۷۸۸۰۷۲۲ رسیده است. سومین سرشماری جمعیت نیز که در سال ۱۳۵۵ یعنی ده سال بعد انجام یافته تعداد کل جمعیت را رقمی معادل ۳۳۰۷۰۸۰۷۴۴ نفر اعلام داشته است. با تکیه بر ارقام یاد شده، می‌توان مدل ریاضی رشد جمعیت ایران پس سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ را محاسبه نمود. آهنگ رشد جمعیت در این مدت، سالیانه بطور متوسط رقمی معادل $3/12\%$ بوده است.

وقتی این مدل ریاضی را ملاک محاسبه و برآورد جمعیت ایران قرار دهیم، برای دهه سالی که از ۱۳۳۵ آغاز شده و به ۱۳۴۵ ختم شده آمار جمعیت سالها به تفکیک صورت ارقام مندرج در جدول ۲ بدست می‌آید.

جدول ۳

سال	جمعیت
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۸۰۷۲۲
۱۳۴۶	۲۶۰۴۸۸۰۸۹۶
۱۳۴۷	۲۷۰۲۰۸۰۰۵۶۹
۱۳۴۸	۲۷۰۹۴۶۰۷۶۸
۱۳۴۹	۲۸۰۷۰۵۰۵۲۳
۱۳۵۰	۲۹۰۴۸۴۰۸۷۸
۱۳۵۱	۳۰۰۲۸۵۰۳۹۲
۱۳۵۲	۳۱۰۱۰۷۰۶۴۱
۱۳۵۳	۳۱۰۹۵۲۰۲۱۳
۱۳۵۴	۳۲۰۸۱۹۰۷۱۶
۱۳۵۵	۳۳۰۷۱۰۰۷۷۱

جدول ۲

سال	جمعیت
۱۳۳۵	۱۸۰۹۵۴۰۷۰۴
۱۳۳۶	۱۹۰۵۴۷۰۲۲۸
۱۳۳۷	۲۰۰۱۵۸۰۲۷۴
۱۳۳۸	۲۰۰۷۸۸۰۴۲۲
۱۳۳۹	۲۱۰۴۳۸۰۲۶۸
۱۳۴۰	۲۲۰۱۰۸۰۴۲۸
۱۳۴۱	۲۲۰۷۹۹۰۵۳۷
۱۳۴۲	۲۳۰۵۱۲۰۲۵۱
۱۳۴۳	۲۴۰۲۴۷۰۲۴۴
۱۳۴۴	۲۵۰۰۵۵۰۲۱۳
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۶۰۸۷۶

رقمی که با استفاده از مدل ریاضی برای برآورد جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵ بدست آمده با رقم حاصل از سرشماری همان سال (یعنی رقم ۳۳۰۷۰۸۰۷۴۴) تنها حدود دوهزار نفر اختلاف نشان می‌دهد که با توجه به بزرگی ارقام "کاملاً" جزئی و قابل صرف نظر کردن است.

بعد از سرشماری سال ۱۳۵۵ هنوز سرشماری جدیدی انجام نمانده، در سال جاری (۱۳۶۵) چهارمین سرشماری عمومی کشور انجام خواهد یافت و بالطبع اطلاعات جدیدی درباره رشد و تحول جمعیت کشور بدست خواهد آمد. اگر فرض کنیم که در ده سال اخیر یعنی از ۱۳۵۵ الی ۱۳۶۵، کسب رشد جمعیت ایران همان روال ده ساله قبل (یعنی سالهای ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵) را داشته، یعنی آهنگ رشد سالیانه جمعیت رقمی معادل $3/71\%$ بوده است، می‌توان برپایه اس فرض آمار جمعیت ده ساله اخیر را بصورت جدول ۴ بدست آورد.

رقمی که مدل ریاضی برای جمعیت ایران در سال ۱۳۴۵ تخمین زده تنها حدود دو هزار نفر با رقمی که عملاً "از سرشماری جمعیت بدست آمده (یعنی رقم ۲۵۰۷۸۸۰۷۲۲) فاصله دارد.

در فاصله سالهای ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ یعنی مدت ده سالی که بین دومین و سومین سرشماری عمومی کشور، فاصله زمانی وجود داشته، مدل ریاضی، رشد جمعیت کشور را سالیانه رقمی معادل $3/71\%$ نشان می‌دهد. مقایسه این رقم با آهنگ رشد جمعیت پس سالهای ۴۵ - ۱۳۳۵ نشان می‌دهد که در این مدت رشد جمعیت بطور کاملاً "محسوس" کاهش یافته است. براساس مدل ریاضی برای

بررسی و تعقیب روی آمار و ارقام حاصل از سرشماری‌های سه‌گانه و حداقل و ارقامی که از طریق تفسیر این آمار برپایه مدل‌های ریاضی حاصل گردیده‌اند نتایج عمده زیر را بدست می‌دهند:

۱ - افزایش جمعیت ایران در طی فواصل زمانی ده ساله از ۱۳۳۵ الی ۱۳۶۵ بصورت جدول ۵ بوده است.

جدول ۴

سال	جمعیت
۱۳۵۵	۳۳۰۷۰۸۰۷۴۴
۱۳۵۶	۳۴۰۶۲۳۰۹۳۶
۱۳۵۷	۳۵۰۵۶۳۰۹۷۶
۱۳۵۸	۳۶۰۵۲۹۰۵۳۸
۱۳۵۹	۳۷۰۵۲۱۰۳۱۵
۱۳۶۰	۳۸۰۵۴۰۰۰۱۸
۱۳۶۱	۳۹۰۵۸۶۰۳۸۰
۱۳۶۲	۴۰۰۶۶۱۰۱۵۰
۱۳۶۳	۴۱۰۷۶۵۰۱۰۰
۱۳۶۴	۴۲۰۸۹۹۰۲۳۰
۱۳۶۵	۴۳۰۰۶۳۰۷۳۱

جدول ۵

فاصله زمانی ده ساله	میزان افزایش جمعیت (به میلیون نفر)
۱۳۳۵ - ۱۳۴۵	۶/۸
۱۳۴۵ - ۱۳۵۵	۷/۹
۱۳۵۵ - ۱۳۶۵	۱۰/۳

۳- اگر فرض کنیم که جمعیت ایران در طول سالهای آینده همان آهنگ رشد سی سال گذشته و یا حتی ده ساله اخیر را حفظ نماید، نتیجه آن خواهد بود که در عرض ۲۵ سال جمعیت کشور به دو برابر میزان فعلی یعنی ۸۸ میلیون نفر بالغ گردد. باین ترتیب در سال ۱۳۹۰ شمسی تعداد کل جمعیت ایران به رقم یاد شده و حتی بالاتر از آن خواهد رسید. طبیعی است که باید اساس همه برنامه‌ریزی‌ها از فنیل تا میس مسکن، آموزش، اشتغال و مهمتر از همه کشاورزی و تغذیه با توجه به ابعاد آتی جمعیت بسمان گذاشته شود.

۴- بقاراری که اشاره شد همه پیش‌بینی‌ها و برآوردهائی که درباره جمعیت آینده کشور و رمان دو برابر شدن آن بعمل آمده، بر مبنای این فرض متکی بوده که جمعیت ایران، آهنگ رشد سی سال گذشته را حفظ کند و در عین حال هیچگونه مهاجرت انسانی بداخل این جمعیت و یا بخارج از این جمعیت صورت نگیرد. بعنارت دیگر در تمام این برآوردها از مسئله مهاجرت و ناآئیر آن در کاهش یا افزایش جمعیت صرف نظر شده است. در حالی که به ناآئید شواهد و قرائن متعدد، آهنگ رشد جمعیت و آهنگ مهاجرت در جهت تقویت رشد جمعیت ایران مؤثر می‌باشند. گسترش فعالیت‌های بهداشتی و درمانی، توجه بحا و ثابسته به مسئله واکسیناسیون بالاخص در سالهای بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی سران مرگ و میر اطفال را از رقم ۱۲۰ در هزاره کمتر از ۷۰ در هزار کاهش داده و در کنار این موفقیت، توسعه راهها و گسترش مراکز درمانی در مناطق روستائی، سران مرگ و میر در تمام سنن و بالاخص نورآدان را شدت بائین آورده است طبیعی است که کاهش مرگ و میر موجب افزایش آهنگ رشد جمعیت نده است. از سوی دیگر میزان مهاجرت به خارج در مقابل آهنگ مهاجرت بداخل رقم بسیار ساجیزی است. علاوه بر عده قابل توحی از ایرانیان مقیم عراق که در سنوات قبل از حگک تحمیلی و همچنین در طول مدت حگک به ایران عودت داده شده‌اند، عده کثیری از مردم افغانستان که تعداد آنها در حدود دو میلیون نفر برآورد می‌شود بر جمعیت ایران افزوده شده‌اند. بالنسبه رقم ۴۴ میلیون نفری که ما محاسه رشد گذشته جمعیت برای سال ۱۳۶۵ بدست آمده قطعا " بائین تر از رقم واقعی جمعیت در سال یادشده است با ملاحظه تعداد مهاجرین و با عنایت به افزایش آهنگ رشد جمعیت، می‌توان حدس زد که تعداد ساکنین کشور در سال جاری متجاوز از ۴۶ میلیون نفر باشد و اگر آهنگ رشد جمعیت را با توجه به کاهش مرگ و میر بحای رقم ۲/۷۱٪ رقی معادل ۳٪ بگوریم ۲۳ سال بعد یعنی در سال ۱۳۸۸ جمعیت کشور به دو برابر میزان فعلی یعنی ۹۲ میلیون نفر خواهد رسید.

وقتی به کیفیت رشد جمعیت کشور و ابعاد جمعیت درآئینده توجه می‌کنیم طبعاً این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید با

مفهوم این ارقام آن است که در سی سال اخیر جمعیت کشور ۲۵ میلیون نفر افزایش یافته و از رقم تقریبی ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۴۴ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ بالغ گردیده است. ۲- مطلب مهم دیگری که از بررسی و مقایسه جداول و آمار یاد شده بدست می‌آئید، این است که جمعیت ایران از حدود ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۳۸/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۶۰ افزایش یافته و به بیان دیگر در فاصله زمانی ۲۵ سال دوبرابر گردیده است. زمان دو برابر شدن جمعیت یکی از مهمترین و گویاترین پارامترهای تحول یک جمعیت است. اهمیت این رقم را وقتی می‌توان بخوبی دریافت که به زمان دو برابر شدن جمعیت کل جهان توجه کنیم. در حالی که جمعیت جهان در همان مرحله زمانی، ۴۵ سال برای رشد مضاعف خود وقت لازم داشته، جمعیت ایران در ۲۵ سال دو برابر گردیده است. به بیان دیگر سرعت رشد جمعیت ایران تقریباً دو برابر سرعت رشد جمعیت جهانی بوده است.

مسئله جمعیت و بی‌آمدهای آن برخورد کرد؟ آیا باید به فکر کنترل جمعیت بود؟ و در صورتی که کنترل رشد جمعیت لازم است چگونه باید اقدام کرد؟

ما سعی می‌کنیم از جهات مختلف این مسئله را بررسی کنیم و برای باوریم که اهمیت مسئله ایجاب می‌کند که نه تنها توجه دست اندرکاران برنامه‌ریزی‌ها بلکه اذهان عموم مردم باید به جوانب مختلف این امر واقف گردد. و بشرحی که در ستورآبی خواهیم گفت بی‌آمدهای این مسئله باید برای همه افراد کشور تحلیل و تشریح گردد. طبیعی است که نه تنها صفحات محله رشد آموزش جغرافیا بلکه بهینه همه وسائل ارتباط جمعی، نظیر روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون باید در سطح مناسب جاگاه طرح و بحث این مسائل فرار گیرد و بدور از هر نوع ننگ نظری که قطعا "در شای" جامعه انقلابی ما نیست، سخن موافق و مخالف به بحث و گفتگو گذاشته شود. ما سعی می‌کنیم که برای احتراز از آمیختگی مساحت اهم جوانب مسئله را تحت عناوین مشخص زیرمورد بررسی قرار دهیم:

۱- آیا کنترل جمعیت و کوشش برای جلوگیری از رشد جمعیت لازم است یا خیر؟

مقدمتا" باید توجه داشت که وقتی مسئله تحول جمعیت و رشد یا کاهش آنرا بررسی می‌کنیم از دیدگاه علوم تجربی با آن برخورد می‌نمائیم. به این معنی که صرفا" به نحوه تحول جمعیت نظاره می‌کنیم و طبعاً به این نتیجه می‌رسیم که جمعیت با چه آهنگ و نسیب افزایش یا کاهش می‌یابد و در برخی از جوامع انسانی نریزه این نکته بی‌می‌بریم که جمعیت در یک مرز مشخص ثابت می‌ماند. کما اینکه فعلا" در چهارده کشور تعداد جمعیت به حالت تعادل رسیده و عملاً" با هیچگونه افزایشی روبرو نیست. آنچه که بعد از بررسی وضع جمعیت بعنوان یک سیاست کلی برای حفظ آهنگ رشد، یا کاهش رشد جمعیت و یا تقویت رشد جمعیت اتحاد می‌کنیم و از آن بعنوان یک "باید" نام می‌بریم این "باید" در محدوده علوم تجربی جای ندارد و از صرف بررسی و تجربه مسعت و حاصل نمی‌گردد بلکه یک قضاوت ارزشی است و در استنباط و اتحاد آن پای نوعی داوری ارزشی در میان است. به این معنی که مثلا" یک کارشناس تجربی ابتدا تا" درمی‌یابد که یک جمعیت با آهنگ مشخصی رشد و ازدیاد حاصل می‌کند و سپس بی‌آمدهای رشد جمعیت نظیر کمبود مسکن، مشکل نااهمی اشتغال و یا پیدایش شهرهای یر جمعیت را بخاطر می‌آورد و چون پیدایش این قبیل مسائل را نوعی پدیده نامطلوب تلقی می‌کند بالنتیجه حکم یا اندرز مبتنی بر کنترل مولد و کاهش رشد جمعیت را صادر می‌نماید. بهمنی لحاظ وقتی از ضرورت یا عدم ضرورت کنترل جمعیت بحث می‌کنیم باید به ماهیت این نوع بحث‌ها توجه داشته باشیم.

برای اینکه مطلب به ساده ترین زبان ممکن بیان شود به نکات و مثال‌های زیر توجه می‌کنیم:

مردم کشور فلسطین که مرز و بوم آنها با اشغال مهاجرین صهیونیست درآمده بخشی بعنوان یک اقلیت مظلوم و محروم در موطن خود باقی مانده‌اند و جمع کثیری از آنها آواره بلاد دیگر گشته‌اند. نابودی و اضمحلال این مردم هدف و آرزوی دیرینه اشغالگران است. اگر این مردم بر دشواریهای حیات خود بعنوان عوامل محدود کننده و تعیین کننده در ایجاد جمعیت توجه کنند بالطبع باید در مقام کنترل زاد و ولد برآیند، در حالیکه افزایش تعداد آنها اعم از ساکنین موطن اصلی یا آوارگی، بعنوان یک نقطه قدرت و یک نیروی بالقوه در جهت احقاق حقوق آنها عمل می‌کند و بالنتیجه چشم پوشی از تمام مشکلات ناشی از رشد جمعیت را منطقی و موجه می‌سازد.

جمعیت مسلمانان کشور شوروی بعد از استقرار نظامی که ستیز آشکار با هر گونه اعتقادات مذهبی دارد، بعنوان یک اقلیت منظور می‌شده، در طول قریب به هفتاد سال که از آغاز استقرار نظام الحادی در آن کشور می‌گذرد، رشد سریع جمعیت مسلمانان شوروی نیست و سهم این گروه را در ترکیب جمعیت آن کشور شدیداً" افزایش داده و طبیعی است که همین عامل هم در کوتاه مدت و هم در دراز مدت، بعنوان عاملی بسیار مثبت در جهت حفظ موجودیت این گروه و کاستن از فشارهای اجتماعی و حرکت تدریجی طرف احقاق حقوق انسانی و اسلامی این جمعیت عمل خواهد کرد.

برای اینکه مسئله ملموس تر باشد کافی است به وضع جامعه خود نیز توجه کنیم. اگر بفرص مردمان این کشور از سی سال قبل بصورت جدی و قاطع کنترل مولد را اعمال می‌کردند توان رزمی و دفاعی این کشور قطعاً" از استواری و ابهت امروزی خود بهره - مند بود همی امر در مورد مجموعه جمعیت‌های مسلمان جهان نیز دقیقاً" صادق است. حرکت اصلی که جامعه قدرتمند ما افتخار آغاز آن را دارد طبعاً" مبارزه‌ای بسیار طولانی با همه انحرافها و ستم‌گریها را پیش رو خواهد داشت. کثرت و فرونی رزمندگان این صف مایه قدرت و دوام و نغاء موجودیت و گسترش آن است واضح است که در چنین شرایطی توصیه به کاهش زاد و ولد یعنی کاهش انسان‌ها و نیروهای این اردو خلاف مصلحت و دوراندیشی است.

از سوی دیگر تردیدی نیست که در بسیاری از جوامع افزایش تعداد انسانها با بروز مشکلاتی نیز همزمان و توأم بوده است و اساساً" انگیزه اصلی کسانی که بر ضرورت کنترل جمعیت انگشت می‌گذارند نیز احتراز از برور و رشد این گونه مشکلات و نارسائیهها است. بهمنی لحاظ کاملاً" بجا است که برماهیت این قبیل مشکلات نیز باحتمال نظر افکنیم:

در برلوحه" مشکلات ناشی از رشد جمعیت باید از مسئله غذا و

کمبود تولیدات کشاورزی و دامی نام برد. ما در ضمن دو مقاله گذشته (مدرج در شماره‌های ۳ و ۴ محله رشد آموزش جغرافیا) به تفصیل در این زمینه بحث کرده‌ام. خلاصه آن مباحث این است که گرچه مسئله کمبود غذا یکی از چالنده‌ترین مشکلات عصر حاضر است ولی این مشکل اساساً ناشی از عدم کفایت منابع حیوانی نیست بلکه از کوتاهی و حتی عدم آگاهانه صاحبان سرب و قدرت علمی ناشی می‌شود. کره رمن می‌تواند دهها و صدها برابر تعداد انسان‌های فعلی را غذا دهد. در اینجا طبعاً این سؤال مطرح می‌شود که وقتی تعداد انسان‌ها به دهها یا صدها برابر میزان فعلی رسید، در آن صورت راه حل غذا چگونه خواهد بود؟ پاسخ اینست که اولاً "قبل از رسیدن به مرزهای تحمل و کفایت منابع زمین، مع انسان‌ها از افزایش منطقی نیست. ثانیاً "هر چه زمان طولتر می‌رود و دانش و توان انسان پرونی می‌گردد افق‌های تازه‌تر از امکانات کنونی می‌شود. بهتر است جواب این سؤال را به اساسهای همان اعصار محول کنیم آنها با شناخت بهتر توان‌های خود صلاحیت زیادتری برای حل مشکلات و مسائل خود خواهند داشت.

از بی‌آمدهای دیگر افزایش جمعیت، مسائل و تنگناهای محیط زیست و رفتی مردم در یک منطقه محدود تا تراکم زیادی سکونت می‌کند هوای شهر بدلیل آلودگیهای ناشی از صنایع و ترافیک شهری و در کنار آنها مصرف سرامیک آب و ایجاد فاضلابهای صنعتی و شهری آلوده می‌شوند و امکان زندگی سالم و معیشت باکتری محیط را سلب می‌کند فراموش نباید کرد که همه این بی‌آمدها ناشی از رعایت صرفه اقتصادی است که بعنوان یک عبارت تراکم آمیز برای جلوگیری از کاربرد عماراتی نظیر برف پیرستی و مال‌اندوزی بکار می‌رود. کپولوری عنصر حاضر نجومی می‌تواند در خدمت سالم سازی صنایع بکار گرفته شود و انسان‌ها می‌توانند و باید از ریستی در محیط‌های بسیار شلوغ و پرتراکم اجتناب کنند شهرهای بزرگ مولود طبیعی و سبزه اصصای شرایط و عوامل محیطی هستند آنها شوره سانس‌های غلط و تعبت و تسلیم در برابر حواستنها و صنایع و امثال گروههای حاکم و ثروت اندوز جامعه هستند. و در یک کلام، اگر در نهایت امر نتوان تصور و کویاهی را متوجه عامه مردم کرد - که واقعیت هرگز حسن نیست - بهر حال از سوی سانس‌های اساسی سبزه و ناشی شده‌اند. نتیجه نهایی اینست که اگر نتوانیم سانس‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را بصورتی سنادی اصلاح کنیم عطش زمین در شهرهای بزرگ فرو می‌سند و آنگاه نوبت به ساکنین شرقی دار این قسطنطنیه می‌رسد که به مقررات زیستن در شهرهای بزرگ تن دهند و فی المثل اتومبیل‌های شخصی را کنار گذارند (که البته این معضله تا بوضه و اندرر حاره نمی‌پردرد) هر سه‌های سالم سازی محیط زندگی خود را عمل کنند و مقررات و موازین حفاظت محیط زیست خود را با میل و رغبت بکار بندند.

ما سخن از این درباب بی‌آمدهای رشد جمعیت و ملاحظه مسائل ناشی از گسترش شهرها و ایجاد مناطق پرتراکم، بحث نمی‌کنیم. چنین بحثی ما را از هدف اصلی این نوشتار دور می‌کند. این اشاره طولانی را به لحاظ آنکه سئوالات احتمالی که از طرح مسئله رشد جمعیت برانگیخته می‌شود، بی‌پاسخ نماند، ضروری دیدیم. مجموعه این بحث را در حملات زیر خلاصه کنیم:

گسترش شهرها و ایجاد مناطق پرتراکم لازمه احتیاجات ناپذیر رشد جمعیت - حداقل در شرایط فعلی - است و اگر غرض محال جسی سیر باشد، مسائل و تنگناهای شهرهای بزرگ از نحوه رنسن مردم ناشی می‌شوند این نحوه رنسن را سر می‌توان عدد افزایش آگاهیهای مردم و ایجاد و اعمال سیاست‌های درست اصلاح کرد. نکته دیگری که لزوم و ضرورت کنترل جمعیت را در معرض بردید و بغی قرار می‌دهد وضع و موقعیت کشورهایی نظیر کشور ما است که از چند جهت با همسایگانی مجاورت یافته‌اند که خود در معرض رشد و ازدیاد جمعیت قرار دارند. اگر غرض جامعه ما بصورت قاطع بر کنترل جمعیت همت گمارد نسبت سی سال بعد با همسایگانی بسیار پر جمعیت از تمام حواب و اطراف روبرو خواهد بود. محدودیت منابع این قسطنطنیه‌ها - حتی بلحاظ رعایت حواب اساسی قصبه - جامعه ما را ملرم و با ساید محمور به بدترین مهاجرسی خواهد کرد که با آداب و رسوم زندگی این جامعه در حد افراد خود این جمعیت موافقت ندارند. نباید از این گفته استساض تعالیات ملی و با ززادی کرد که جسی تفکری با اساس اعتقادات این جامعه تعارض دارد. ولی سهرحال این بدیده سبار محمل را سیر ساند از بدیده دور داشت. غرض اینست که جامعه ما با احتمال بسیار زیاد حتی در صورت کنترل رشد جمعیت دروسی خود، ملرم به بدترین جمعیت اضافی خواهد گردید پس چه سهر که این مرز جمعیت، با زادگان خود این ساکنین اصلی اشغال شود. طبیعی است که ملاحظه این موقعیت سیر نابد بعنوان یک عامل مهم در اتخاذ سیاست‌های ناظر بر تحول و رشد جمعیت منظور و ملحوظ باشد.

اینک با احتمال طرح مطلب دیگری که مسئله رشد جمعیت ارتباط نزدیک دارد، می‌پردازیم و آن نکته اینست که چگونه باید جمعیت را کنترل کرد.

۲- نحوه کنترل جمعیت:

تردید نیست که این بحث زمانی طرح می‌شود که جامعه به ضرورت کنترل جمعیت اعتقاد حاصل کند. ما در بحث پیشین در باب ضرورت یا عدم ضرورت کنترل جمعیت باجمال سخن گفتیم. با توجه به همان مباحث طرح این مطلب را بعنوان سناهای از اعتقاد به ضرورت کنترل جمعیت - حداقل در شرایط فعلی جامعه ایران - تلقی نمی‌کنیم.

هدف ما از طرح این بحث ذکر روش‌های کنترل مولد است

چنین بحثی اگر غرض صورت نبر داشته باشد حای شایسته خود را در سطوح و اقیهای دیگر احراز می‌کند. هدف ما بیان کلیاتی درباره این بحث است.

جمعیت انسانی مانند هر جمعیت زنده دیگر (منظور جمعیت - متشکل از جانداران دیگر) از طریق زاد و ولد افزایش می‌یابد و از طریق مرگ و میر افراد کاهش حاصل می‌کند. بنابراین وقتی بخواهیم یک جمعیت تعادل ثابت احراز کند یعنی ازدیاد و کاهش نیاید باید تناسب و توازن بین عامل افزایش یعنی زاد و ولد و عامل کاهش یعنی مرگ و میر برقرار شود. بهمین لحاظ، حل مسئله رشد جمعیت از نظر تئوری دو راه حل فضاوت دارد:

الف - مرگ و میر جمعیت زیاد شود و با درمورد جامعه انسانی، کوششی برای کاهش از مرگ و میر عمل نماید تا عامل کاهش، رشد جمعیت را موقوف کند. خوشبختانه هیچ انسانی اتخاذ این راه حل را توصیه نکرده و می‌کند زیرا با ابتدائی ترین اصول اخلاقی انسانها - حتی انسانهایی که به هیچ نوع مذهب تعلق و تقید ندارند - معایرت دارد، بلکه سعی جوامع انسانی عموماً " براینست که با تصمیم و توسعه امکانات پزشکی و درمانی نعمت حیات و استمرار حیات را برای افراد انسانی تأمین کند و مرگ و میر را تا سر حد امکان کاهش دهد. جنس کوششی حکم عامترین موازین انسانی ساسه و در خور دفاع است.

ب - راه حل دوم آنست که از میزان زاد و ولد انسانها بکاهد و از طریق کنترل عامل افزایش جمعیت، رشد آنرا تعدیل و حتی متوقف نماید. اتحاد این روش باه و اساس همه تدابیری است که در جهت کنترل رشد جمعیت در تمام کشورهای جهان بکار می‌رود. موفقیت در احراز این روش به عوامل بسیار متعدد بستگی دارد شرح و توضیح حسیه‌های فرهنگی و اجتماعی این مطلب نوشتار مستقلی را طلب می‌کند که در خارج از حوصله و اهداف مقاله حاضر است. آنچه که ما در دساله بحث خود مطرح می‌کنیم و با عقاید ما با اهداف این نوشته انطباق بسیاری در نحوه برخوردی است که باید جامعه ما در فعال تحول جمعیت اتخاذ کند.

۳- چگونه باید با مسئله رشد جمعیت برخورد کرد؟

عرض ما از طرح این بحث " که چگونه باید با مسئله رشد جمعیت برخورد کرد؟ " این نیست که بگوئیم آیا جامعه ما باید از هم اکنون به فکر کنترل رشد خود باشد یا خیر؟ این مسئله را باید اجتماعی از صاحب نظران که نمایندگان تخصصها و صلاحیتهای گوناگون را شامل باشد اتخاذ نماید و طبعاً " محرران این سیاست که همه اتحاد جامعه‌اند تا آگاهی و میل و رعیت در احراز این تصمیم کلی مشارکت نمایند و اساساً " باید اتخاذ هر نوع سیاسی در این زمینه با توجه به رای و نظر اکثریت افراد جامعه صورت نگیرد. در وضع حاضر که حسی بحثی مطرح شده و طبعاً " جنس

سیاستهایی نبر اتخاذ و اعلام نگردیده‌اند هدف بحث ما اینست که چه روشهایی باید در برخورد با مسئله رشد جمعیت اتخاذ کرد. معمولاً مقدمه باین نکته اشاره می‌کنیم که اگر غرض جامعه ما هم امروز تصمیم کلی به کنترل رشد جمعیت اتخاذ کند آثار عملی و محسوس این تصمیم در طول یکی دو نسل آینده ظاهر خواهد شد تجارسی که در جوامع دیگر بدست آمده همگی در جهت تأیید این نظراند. مفهوم این مطلب آنست که اگر ما موافق و یا مخالف کنترل جمعیت باشیم حداقل برای دو نسل آتی پدیده رشد جمعیت با آهنگ کم و بیش متفاوت با وضع کنونی ادامه خواهد یافت ولی بی تردید میزان رشد جمعیت در طی دو نسل آتی متأثر از سیاست جامعه درباره کنترل موالید خواهد بود. بنابراین نگاشتی که دیلاً " شرح می‌دهیم مورد تصدیق و قبول موافقین و مخالفین رشد جمعیت قرار خواهد داشت.

ما - عرضی بحث خود به طرح حسیه‌های اصلی و بی‌آمدهای حاصل از رشد جمعیت می‌پردازیم و سعی می‌کنیم صورت توجه به مسئله تحول جمعیت در برنامه‌ریزیهای آتی را روشن سازیم در آغاز این بحث لزوم آگاهی‌های اجتماعی را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

ضرورت آگاهانندن جامعه به پی آمدهای رشد جمعیت:

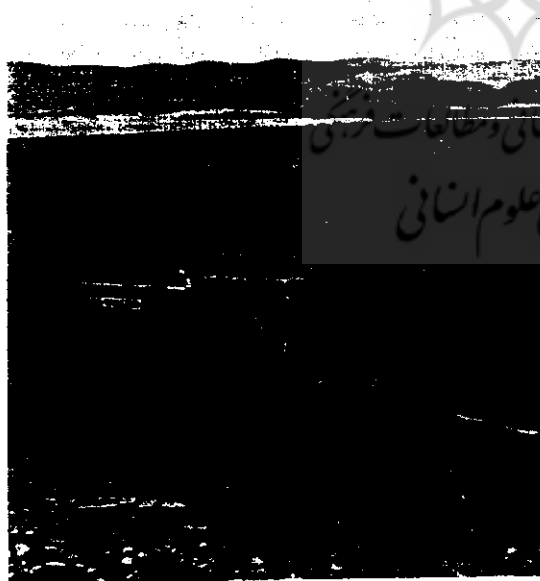
وقتی می‌گوئیم جمعیت کشور ما در ضمن ۲۳ سال آتی دو برابر خواهد شد باید بالطبع باید میزان تولیدات عدائی کشور در ضمن مدت دو برابر شود تا بتوانیم با حفظ استانداردهای فعلی تعدیه در کشور، جمعیت ۹۰ تا ۹۲ میلیون سیمت و سه سال بعد را تعدیه کنیم، اگر بتوانیم در همین مدت استاندارد خانه‌های فعلی مسکن تازه بسازیم قادر خواهیم بود استاندارد مسکن را در حد فعلی تأمین کنیم این جمعیت تمام خدمات اولیه و ضروری از قبیل بهداشت و درمان و مهمتر از همه آموزش و اشتغال را لازم خواهد داشت. طبعاً " اگر به تعداد مدارس فعلی مدرسه جدید بسازیم سطح آموزش در حد معیارهای فعلی باقی خواهد ماند و اگر به تعداد همه مشاغل موجود شغل تازه ایجاد کنیم، در آن صورت سطح اشتغال در حد نسبت‌های جامعه فعلی حفظ خواهد گردید. اگر جمعیت این کشور اضافه نمی‌شد همه این قبیل کوششها و سرمایه گذاریها سطح رفاه جامعه را بالاتر می‌برد ولی افزایش جمعیت با روندی که قبلاً " اشاره کردیم همه با قسمت اعظم امکانات جدید را حذب خواهد کرد.

توسعه کشاورزی از دو طریق امکان پذیر است. یکی از طریق احیا و آباد کردن رسی‌های جدید و دیگری از طریق افزودن بازده کشاورزی در مزارع موجود، طبعاً " جامعه ما باید بصورت همزمان هر دو روش را بکارگیرد. رسیدن به این دو هدف نیازمند تخصیص منابع عظیمی از درآمدهای جامعه است. مردم جامعه ما باید تا

در پهنه صنعت نیز ماشین جای انسان را سرعت گرفته و می گیرد. جرخهای صنعت را ماشینهای انسان وار می چرخاند آنها سحای نیروی بازو، مغز اندیشمد می خواهند که آنها را طراحی کنند، سازند و بر کار آنها از دور نظارت کنند. هر روز در روزنامه ها و وسائل ارتباط جمعی صحت از تعطیل صنایع در کشورهایی که مهد رشد و شکوفائی صنعت بوده اند می شنویم. ساده انگاری است اگر تصور کنیم درب این صنایع بسته می شود بلکه واقع امر آنست که درب این صنایع بر روی کارگران بسته می شود تا بر روی ماشین - آلات اتوماتیک باز گردد. جامعه های پیشرفته از طریق مدرن سازی مستمر صنایع خود ضمن افزایش تولید نیاز به نیروی کار انسانی را کمتر می کنند و بهمین لحاظ همراه با افزایش تولیدات جامعه با پدیده بیکاری مواجه می گردند.

جامعه ما با نظایر این مشکل در ابعاد بسیار سنگین تر روبرو است وقتی ما کارخانه های سفارش می دهیم نمی توانیم ماشین آلات متعلق به دوران بیجاه سال قبل را که به نیروی انسانی انبوه نیاز داشت وارد کنیم بلکه ماشین آلات عصر حاضر را تهیه می کنیم، چنین تاءسیساتی تولید را بالاتر می برد ولی فضای اشتغال ایجاد نمی کنند. ایجاد یک شغل هر سال نسبت به سال قبل هزینه بالاتر می برد. زیرا نقش اشتغال انسانی بصورت روز افزون کاهش می یابد. خلاصه مطلب این است که روند پیشرفت تکنولوژی حتی در حوامعی که پدیده رشد جمعیت محسوس نیست، با تعداد ثابت جمعیت، حد کافی مسئله آفرین است طبیعی است در جامعه های نظیر ایران وارد کردن این تکنولوژی معضلات پیچیده تر اجتماعی را بدنیال خواهد کشید. کوتاه سخن ایست که حوامع مهد صنعت در ضمن عبور تدریجی از یک جامعه کشاورزی به یک جامعه صنعتی مسائل و

وفوق برصورت این سرمایه گذارها به کاهش سهم خود از لحاظ رفاه رودرس رضایت دهند. جالنتز آنست که سیاست فعلی جامعه ما در امر توسعه کشاورزی مستی بر استفاده از ماشین آلات و در نهایت امر جایگزین کردن نیروی ماشین بحای کار و نیروی انسانی است اگر این سیاست موفق شود نتیجه آن خواهد بود که تعداد اندکی از انسانها بحدد استفاده از ماشین آلات قادر به تولید غذای مورد نیاز جامعه باشند. بعنوان مثال وقتی یک تراکتور راهی روستا می شود نتیجه جنمی آنست که حداقل ده خابوار، کشاورزی سنتی را ترک کند و در جستجوی شغل جدید و مرمعاش تازه برآید. توجه به همین نتیجه جنسی و در عین حال احتساب ناپذیر ضرورت و لروم استفاده از ماشین آلات کشاورزی را در جوامعی نظیر کشور ما با تردید روبرو می سازد کسانی که به مسئله رشد جمعیت توجه ندارند، وقتی شنوید که فردی در ضرورت و جوار مکانیزه کردن کشاورزی تردید می کند، بی تردید فریاد برمی آورند که آیا در عصر تسخیر فضا، بیل به دست انسان می دهید و او را روانه مزرعه می کنید؟ اما اگر به پی آمدهای مسئله جمعیت و بیکاری توجه کنیم شاید بیدیریم که یک انسان شاغل در مزرعه ولو یکمک بیل یعنی ابرار چند هزار سال قبل، بر مراتب مفیدتر از دستفروش دوره گردی است که سهم او در تولید از کم کارترین کشاورز این مملکت نیز کمتر است. راه حلی که در برخورد نخست مطرح می شود ایست که کشاورزی را مکانیزه کنید انسان هارا از زیر بار زحمت و ریح کشاورزی خلاص نمائید بازوهای ستیری را که از کشاورزی آزاد گشته اند به کارخانجات و صنایع روانه سازید تا جرخهای صنعت را به گردانند و رفاه و ثروت و آسایش تولید کنند. مسئله اساسیتر همین جا است. صنایع این عصر هر روز کمتر از روز قبل بازوی ستیر طلب می کنند



مشکلات فراوانی داشته‌اند که در ضمن چند صدسال با آنها روبرو گشته‌اند. ما در جامعه خود با فشرده، همه این مشکلات در عرض مدتی بسیار کوتاهتر مواجه خواهیم بود.

آرزو و ایده‌آل آنست که جامعه آینده ما انسان‌های توانمندی را تربیت کند که بتوانند صنایع پیشرفته را بدست خود ایجاد کنند اما تربیت و پرورش این انسانها همتی عظیم و سرمایه‌ای کلان نیاز دارد. جامعه باید با روی باز روح قناعت و صرفه جوئی و اعراض از هر گونه رفاه و آسایش مضر و مغرب را در خود پرورش دهد تا در سایه این ایثار دراز مدت تخصیص امکانات جامعه در راه نیل به این هدف مقدور گردد.

مسئله مسکن در جامعه ما نیز با مشکلات و معضلات پیچیده‌ای روبرو است علاوه بر سرمایه های عظیمی که تا مین مسکن جذب خواهد کرد، انتخاب محل مسکن نیز خالی از دشواری نیست. شهرهای فعلی جامعه ما در مناطقی بنا شده‌اند که آب و زمین در دسترس بوده، بالتسویه گسترش این شهرها فضاهای طبیعی بسیار مفید را از دسترس کشاورزی خارج می‌کنند. سیاست تا مین مسکن در جامعه الزاما باید با توجه به این امر پایه‌ریزی شود و سعی گردد بحد اکثر مسکن زمین‌های زراعی و مرغوب از سلطه و رشد سرطان - آسای شهرها مصون ماند. در حال حاضر سالانه بیش از یک میلیون و دویست هزار فرد جدید به جمعیت این کشور اضافه می‌تود معنای این مطلب آنست که اگر بخواهیم استانداردهای فعلی مسکن را با همه کاستیها و کمبودهای آن حفظ کنیم سالانه ایجاد ششصد هزار مسکن جدید مورد نیاز است بیست سال بعد این رقم به بالاتر از یک میلیون واحد مسکونی در سال خواهد رسید.

جامعه ما هم امروز دشواریهای زیادی را که از تحول طبیعی جمعیت منشاء می‌گیرند لمس می‌کند. هجوم به شهرها و تمام بی‌آمدهای آن گوشه‌هایی از این مشکلات است. فقدان تغذیه‌های مولد و روی آوردن به انواع مغالط کاذب از احسار کلان تا دستفروشی و دوره گردی، گرچه در برخی از سطوح ریشه در آرمندی دارند، ولی همه موارد فوق از این روند طبیعی منشاء می‌گیرند. گردانندگان جامعه در عین حال که باید توان و هم خود را مصروف حل این معضلات کنند، نباید از توضیح و تشریح ریشه‌های این مشکلات غافل مانند. مردم جامعه باید آگاه باشند که بسیاری از دشواریهای جامعه ما ریشه در نوع تحول و رشد جمعیت دارند. سهم عظیمی از گرفتاریها و کاستیها از تصور و کوتاهی گردانندگان جامعه منبعت نیستند. تفهیم این نکته در سطح جامعه، با اعتقاد ما از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا اگر مردم بدرستی علل کمبودها و نارسائی را درک کنند توان تحمل و نوع برخورد با مشکلات تغییر خواهد یافت دشمنان این مملکت نه تنها با انواع دسائس و حیل مشکلات و دشواری در سر راه نظام نوپای اسلامی ایجاد می‌کنند بلکه با استفاده از حربهای تبلیغاتی خود سعی می‌کنند همه

گرفتاریها و کاستیها را شوره، استقرار نظام اسلامی در این جامعه معرفی نمایند. مردم ما اگر بدرستی ریشه‌های مشکلات جامعه خود را درک کنند با روشی گشاده‌تر به استقبال این مسائل خواهند رفت و آفاده‌تر خواهند بود که امکانات جامعه را در راه حل و رفع این مشکلات بسنج کنند.

مغرض ما آن نیست که از رشد جمعیت غولی بسازیم و مردم را با آن بترسانیم، بلکه اعتقاد داریم که می‌توان و باید سیل عظیم نیروهای خلاق این جامعه را با صبر و بردباری بطرف ساختن جامعه‌ای نیرومند هدایت کرده جامعه‌ای بر پا کرد که مردمی انبوه و غیرتمند و فعال و خلاق در آن زندگی کنند روح قناعت و اعراض از اسراف بر آنها حاکم باشد. ملتی که بحق الگوی همه ستمدیدگان جهان قرار گرفته و قطعا توانائی آنها دارد که حوانمرده‌ها و کریمانه بخاطر ساختن جامعه فعلی و آینده خود از طلب و آرزوی رفاه روی گردانند.

یادداشت

۱ - سهم گره، زمین از انرژی آفتاب و بازده تبدیل آن به غذا.

منابع

- 1- Kenne D.j. et al - 1984. *Biology, An Introduction*. 615+39 PP. The Benyamin Commings Publishing co. London.
- 2- Meadows D.L. et al . 1972 *The Limits to Growth. A Report for the Club of Rome, s Project on the Predicament of Mankind*. Universe Books. New York.
- 3- Weisz P.B and keogh R.N - 1982 *the science of Biology* . Fifth edition 1009 PP. McGraw- Hill New York.

- ۴ - نشریه سرشماری عمومی نفوس و مسکن. آبان ماه ۱۳۵۵ کل کشور - نشریه شماره ۱۸۶ - سازمان برنامه، مرکز آمار ایران.
- ۵ - دکتر مرتضی هنری - محیط زیست و انسان امروز - مجله رشد آموزش جغرافیا، سال اول شماره ۲ - ۱۳۶۴ صفحات ۲۰ الی ۲۷.